



International Journal of Advanced Academic Studies

E-ISSN: 2706-8927

P-ISSN: 2706-8919

www.allstudyjournal.com

IJAAS 2020; 2(4): 332-335

Received: 06-08-2020

Accepted: 11-09-2020

سید هاشم امین
دانشیار، عضو گروه فرهنگ
اسلامی دانشکده مطالعات اسلامی،
دانشگاه آموزش و پرورش، شهید
استاد ربانی

بررسی اصول مدیریت اسلامی وتأثیرگذاری آن بر اداره

سید هاشم امین

Abstract

The present topic is a discussion on the principles of Islamic management and its impact on administration.

The goals and objectives of the administration from the Islamic point of view are the same as the goals and objectives of Islam, which in concise form are: Preservation of religion, preservation of intellect, preservation of soul, preservation of honor and dignity and preservation of property.

The Islamic administration justifies man in such a way as to guarantee his happiness in this world and the hereafter.

As the fourth caliph of the Muslims, Hazrat Ali (may Allah be pleased with him) said:

Work in the world as if you were always alive, and work for the hereafter as you will die tomorrow.

In this article tried to address the issue from different angles, such as: Introduction of administration, management, principles of management should be discussed.

It is worth mentioning that the method of discussion in this article was library, and the issue of management principles and its impact on administration has been described and analyzed, which has been collected from the contents of various authentic Islamic books.

Keywords: Principles, Islamic management, impact

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين. اما بعد:

بدون شك دردنیای امروزی اداره ومدیریت چنان نقش ارزنده ومهم دارد که هیچ امری اعم از فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی وسیاسی بدون وجود اداره سالم که ضمن شریعت اسلامی وقوانین اداری تنظیم گردد به درستی میسر نمیشود.

دانشمندان فقه اسلامی موضوعات منوط به اداره ومدیریت را به نام سیاست شرعی یا احکام سلطانیه یاد کرده واز نگاه اداری وسیاست شرعی در فقه اسلامی، عطف توجه به مصلحت اجتماع شده ومنفعت هیچ فردی ویا جمعیت معینی بیشتر از مصالح عامه و توده های مسلمین مورد قصد نمی باشد واین دستورات اداری فقه اسلامی از نصوص قران کریم وسنت نبوی صلی الله علیه وسلم واز روح عمومی اسلامی ماخوذ بوده است.

در واقع هر اصل از اصول مدیریت، خالی بزرگی را رفع نموده وسبب رشد نهاد های اداری دولت می شود، امید وارم که با تحریر این مقاله تا حد توان، مبهمات این موضوع را حل کرده باشم، همچنان کوشش به عمل آمده تا از کتب معتبر اسلامی واداری استفاده اعظمی به عمل آید.

اهداف تحقیق

1- شناخت اصول ومبانی مدیریت از نظر اسلام.

2- تأثیر گذاری گزاره های مدیریت اسلامی بر رشد وهنجامندی جامعه.

بیان مساله

عدم فهم درست از اصول مدیریت طبق شریعت اسلامی باعث شده تا ادارات دولتی در افغانستان کارهای روزمره را به شکل متمرکبه پیش نبرده ونتیجه مطلوب را به بار نیاورد واین مشکل چنان حاد بوده که باعث فاصله میان مردم ودولت ونا هنجاری اداری شده واز طرف دیگر باعث ضعف اقتصاد کشور گردیده است، لذا ضرورت احساس می شود تا این موضوع مورد تحقیق قرار گرفته تا همان نتیجه مطلوب را بدست آورده وباعث استحکام هرچه بیشتر نظام گردد.

1- تعریف اداره واصطلاحات منوط

اداره در لغت: کلمه اداره به آیات قران کریم ویا احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم وارد نشده ولی کلمه

Corresponding Author:

سید هاشم امین
دانشیار، عضو گروه فرهنگ
اسلامی دانشکده مطالعات اسلامی،
دانشگاه آموزش و پرورش،
شهید استاد ربانی

"تدبرونها" در آیت شریف آمده است: **إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُوهَا (البقرة: 282) وکلمه "تدور" در آیت شریف: يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ (الأحزاب: 19).**

و در کتب لغت و معاجم قدیم نیز از اداره نام برده نشده است ولی امام دوزی یکی از علمای اهل لغت ذکر نموده است: ادار السیاسة ای دبرامورها و ساس الرعية یعنی تدبیر نمود امور سیاست را و سیاست نموده رعیت را و همچنان کلمه "ادار" به معنی سعی در عمل آمده است (8: 27).

و همچنان اداره به معنی الزام آمده است، قسمیکه در عربی گفته میشود: ادرت فلانا علی الامر. در هنگامیکه کوشش به الزام وی نماید (2: 1).

اداره در اصطلاح: برای اداره تعریف جامع وجود نداشته، و تعریف های مختلف و تعبیرهای گونه گون از آن صورت گرفته است که ذیلا به دو تعریف آن اشاره میشود:

1- اداره

عبارت از نظام اجتماعی و طرح روشها و شالوده های خاص که در آن عده کثیری از افراد به منظور رسیدن به یکسلسله اهداف نسبتا مشخص به انجام وظایف پیچیده و دقیق مشغولند (7: 4).

2- الإدارة تتكون من جميع العمليات التي تستهدف تنفيذ السياسة العامة (8: 28).

اداره متشکل است از همه اعمالی است که مقصد آن تطبیق و اجرای سیاست عامه می باشد.

2- تعریف مدیریت

در فرهنگ فارسی به معنای گرداننده، اداره کننده (کسی که کاری را اداره می کند)، کارگردان و قوام دهنده است. در فرهنگ اسلامی نیز مدیریت عبارت است از ایجاد هماهنگی در اجزای یک نظام و فراهم کردن زمینه رشد و تعالی انسانها از طریق ارائه خدمت شایسته به آنها، مطابق قرآن برای سیر به سوی خداوند.

3- خدمات (امور) عمومی

منافع یا احتیاجات عمومی است که اداره آن از دست افراد خارج شده و به شکلی از اشکال اداره امور عمومی آنرا به عهده دارد؛ اعم از اینکه دولت آنرا تنها اداره نماید؛ مانند دفاع ملی، پست و تلگراف و یا افراد هم می توانند در اداره آن با دولت رقابت یا تشریک مساعی نمایند؛ مانند امور صحتی- فرهنگی.

توضیح: دولت تامین احتیاجات و منافع عمومی را خود برعهده می گیرد و به این منظور تشکیلاتی را تاسیس و اداره امور عمومی را به آن محول می کند. دایره اموری که دولت مستقیما در آن دخالت دارد روز به روز در حال توسعه است، اموری مانند آموزش، صحت عامه، پست و تلگراف و تلفن، که سابقا به وسیله خود افراد اداره می شد و به این منظور از وزارتخانه های تشکیل شده و تمام امور اجتماعی که اداره آنها به طور مستقیم یا غیرمستقیم در دست دولت قرار دارد اصطلاحا به امور عمومی یا خدمات عمومی یاد می شود (7: 17).

۲- خصوصیات اداره از دیدگاه اسلام

1- از طرف شارع وضع شده است، برخلاف اداره غیر اسلامی که

واضع و بنیان گذار آن انسان است

2- عمومی بودن به اعتبار مورد: در اداره اسلامی خیر و سعادت فرد و جامعه هر دو نهفته است

3- ذریعه سعادت هر دو جهان است: اداره اسلامی انسان را به طوری توجیه می نماید که سبب سعادت مندی انسان در دنیا و آخرت می گردد، قسمیکه خلیفه چهارم مسلمانان حضرت علی رضی الله عنه فرموده:

اعمل لدنیاک کانک تعیش ابدا و اعمل لآخرتک کانک تموت غدا (10: 2).

۳- اهداف و مقاصد اداره از دیدگاه اسلام

به شکل فشرده اهداف اداره مثل اهداف و مقاصد اسلام بوده که عبارت از: حفظ دین، حفظ عقل، حفظ نفس، حفظ آبرو و عزت و حفظ مال میباشد (2: 15).

۴- مهمترین اصول مدیریت از دیدگاه اسلام

1- توجه به اخلاق نیکو: قسمیکه علامه شاه ولی الله دهلوی ذکر نموده: **يجب ان يكون الملك متصفا بالاخلاق المرضية، والا كان كلا على المدينة (2: 16).**

لازم است که حاکم متصف به اخلاق پسندیده باشد، در غیر آن عاطل و بی فایده در شهر می باشد.

علامه شیرازی یکی از علمای اخلاق، اخلاق پسندیده را در حدود پانزده مواصفات ذکر نموده که اینک از آنها ذیلا یاد آوری می گردد:

- 1- عدالت 2- عقل 3- شجاعت 4- سخا 5- نرمی و عطوفت 6- وفاء
- 7- صداقت 8- مهربانی 9- صبر 10- عفو 11- شکر 12- بردباری
- 13- بردباری 14- پاکدامنی 15- وفار و باعزت (2: 17).

2- اصل تخصص و تعهد

از جمله وجایب و مکلفیت های دولت اینکه اشخاص متخصص و متعهد را به مدیریت و اداره بگمارد، قسمیکه الله متعال به این موضوع اشاره نموده است: **إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ (القصاص: 26).**

کلمه قوی در آیت شریف به اصل تخصص و کلمه امین به اصل تعهد اشاره دارد

و امام ماوردی در این مورد متذکر شده: از جمله وجایب خلیفه مسلمانان اینست که اشخاص با کفایت و امانتدار را برگزیند، تا که کارها توسط اشخاص با کفایت (متخصص) به شکل درست انجام شده و توسط اشخاص امین (متعهد) محفوظ شود (5: 155).

3- اصل تطابق با تحولات زمان

اصل انطباق بر مبنای این نظر استوار است که احتیاجات زندگی همیشه در حال تحول است و منافع عمومی ایجاب می نماید که مدیریت و اداره امور عمومی همزمان با مقتضیات روز و سیر انکشاف جامعه تطابق می یابد.

بناء برخواست این اصل، مدیریت و اداره امور عمومی حق دارد که هر وقت بخواهد قواعد و مقررات تشکیلات اداره امور عمومی و نحوه فعالیت آنرا تغییر دهد و خود را آماده جوابگویی به خواسته های جامعه سازد (7: 21).

4- اصل تساوی

به طور کلی، امور عمومی مربوط به تمام جامعه است، بناء بر این اصل مساوات در امر عمومی حکم می کند که کلیه افراد یک جامعه از منافع و مزایای عمومی مستفید شوند و اداراتی که به منظور تامین چنین منافعی به وجود آمده اند، نتایج حاصله از آنرا برای تمام افراد

به طور مساوی بهره مند سازند.

مثلا برای کار در اداره امور عمومی، هرکسی که شرایط مقرر برای استخدام در وظیفه عمومی را حائز گردد می تواند شامل کار شود و از مزایای آن به طور تساوی استفاده نماید(7: 22).

5- اصل مسئولیت و جوابدهی

اینکه حکومت و صلاحیت ها و اموال آن، ودیعتی است از جانب الله متعال و مردم که باید به اشخاص پرهیز کار مومن و عادل سپرده شود، در این امانت هیچ شخص حق تصرف تامشروع یا استعمال آن برای اغراض شخصی نداشته و آنانیکه این امانت در اختیار شان گذاشته می شود جوابده آند.

الله متعال درقران کریم فرموده است: **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا (58).**

هر آیینی که الله متعال می فرماید شما را که ادا کنید امانت ها را بسوی اهل آن و می فرماید که حکم به راستی و انصاف کنید چون حاکم شوید میان مردم هر آیینی که الله متعال به هرآنچیزیکه نیکوست به شما پند میدهد هر آیینی که الله متعال شنوا و بینا است.

-رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده: **أَلَا كُنْتُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، فَالْإِمَامُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ متفق عليه.**

آگاه باشید هر یکی از شما شبان استید و هر یک در باره رعیتش جوابده می باشد و بزرگترین سردار مسلمانان که بر همه حاکم باشد نیز شبان است و در باره رعیت خود جوابده.

-رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده: **ما من وال یلی رعیتہ من المسلمین فیموت وهو غاش لهم الا حرم الله علیه الجنة متفق علیه.**

کسی که امور مسلمانان را بدست گرفته و حاکم گردد، اگر درحالی بمیرد که درحق رعیت خود فریب و خیانت را مرتکب شده باشد، الله متعال بهشت را به وی حرام خواهد ساخت(10: 59).

- رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده: **ما من امیر یلی امر المسلمین ثم لا یجهد لهم ولا ینصح الا لم یدخل معهم فی الجنة رواه مسلم.**

حاکمیکه مقامی از حکومت مسلمانان را اشغال کند و بعد به خاطر ادای مسئولیت آن صرف مساعی نکند و با خلوص مصدر خدمت نگردد، هیچگاه با مسلمانان داخل بهشت نخواهد شد.

-رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده: **«يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنَّكَ ضَعِيفٌ، وَإِنَّهَا أَمَانَةٌ، وَإِنَّهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ خِزْيٌ وَنَدَامَةٌ، إِلَّا مَنْ أَخَذَهَا بِحَقِّهَا، وَأَدَّى الَّذِي عَلَيْهِ فِيهَا» رواه مسلم.**

رسول الله صلی الله علیه وسلم به ابوذر فرمود: ای ابوذر! توشخص ناتوانی هستی و مقام حکومت امانت است به روز رستاخیز موجب رسوایی و ندامت خواهد بود، مگر شخصیکه به حق کامل این امانت را گرفته و مسولیت که به او عاید گردیده به انجام رسانیده باشد(10: 60).

6- اصل اولویت و تقدم منافع عمومی بر منافع شخصی در اسلام توجه بیشتر به منافع عمومی صورت گرفته است و فقه اولویات حکم می کند که مدار توجه عملی باشد که منافع بیشتر باشد و هر قدر منافع برای جمعی بیشتر برسد ، فضیلت و ثوابش نزد الله متعال بزرگتر است و به همین جهت است که نوع اعمال جهاد از نوع اعمال حج ارزشمندتر است ، چون نفع حج تنها عاید صاحبش می گردد و نفع جهاد به عموم ملت اسلام برمی گردد، قسمیکه الله متعال فرموده:

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْأَخِيرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (19)

آیا رتبه و درجه سقاییت و آب دادن به حاجیان و تعمیر مسجد الحرام را همسان مقام آن کسی می شمارید که به الله متعال و روز رستاخیز ایمان آورده است و در راه الله متعال جهاد کرده است و به جان و مال در راه الله متعال کوشیده است؟ هرگز منزلت آنان یکسان نیست و در نزد الله متعال برابر نمی باشد و الله متعال مردمان را (که به خویشتن به وسیله کفر و زردین و به دیگران به وسیله آزار آنان ستم می کنند، به راه خیر و صلاح دنیوی و سعادت اخروی) رهنمود نمی سازد. کسانی که ایمان آورده اند و در راه الله متعال با جان و مال جهاد نموده اند دارای منزلت و بالاتر و بزرگتری در پیشگاه الله متعال اند و آنان رستگاران و به مقصود رسیدگان می باشند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده: **احب الناس الى الله انفعهم و احب الاعمال الى الله عزوجل سرور تدخله على مسلم او تكشف عنه كربة او تقضى عنه ديناً او تطرد عنه جوعاً وان امشى مع اخي المسلم في حاجة احب الى من ان اعتكف في المسجد شهراً.**

بهترین و محبوب ترین انسانها نزد الله متعال پرفایده ترین آنها برای مردم است، محبوب ترین اعمال نزد الله متعال کاری است که یک مسلمان را شاد می کند یا مشکلی را برای او حل می نماید و یا قرض را برایش ادا میکند یا گرسنه گی کسی را برطرف می سازد به حقیقت من اگر با یک برادر مسلمانم برای رفع مشکلی که دارد بروم نزد من بهتر از آن است که به مدت یک ماه درمسجد درحال عبادت و اعتکاف باشم.

به همین خاطر هر عملی که مربوط به اصلاح جامعه باشد، اجر و ثوابش بیشتر از عملی است که نفع آن تنها به صاحبش برگردد، قسمیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده: **الاخبركم بافضل من درجة الصلاة والصيام والزكاة والصدقة؟ صلاح ذات البين فان فساد ذات البين هي الحالقة.**

آیا شما را از کاری آگاه نسازم که درجه اجر و ثواب آن بالاتر از درجه نماز و روزه و زکات باشد؟ آری این کار اصلاح و آشتی دادن کسانی است که با هم اختلاف پیدا کرده اند به راستی زبان و ضرر اختلاف و دشمنی تیغ ستیزی است آنگونه که همه موها را می تراشد، همه نیکی ها را می تراشد و از بین می برد.

در روایت دیگر آمده: **لا اقول تحلق الشعر ولكن تحلق الدين!!** من نمی گویم که این تیغ(اختلاف و دشمنی) موها را نابود می کند، بلکه دین را از بین می برد.

بدین جهت است که عمل یک روز رهبر و پیشوای عادل ، برعبادت دهها سال دیگران امتیاز داده شده است، چون با اجرای قوانین عادلانه در یک روز، هزارها مظلوم بلکه میلیون ها نفر از ظلم رهایی می یابند و حقوق ضایع شده به صاحب آنها بر می گردد، لبخند شادی بر لب های مستضعفین ظاهر می شود، راه فساد بر مجرمین و بد کاران بسته می شود و ریشه فساد ضعیف و در بازگشت به خیر و اصلاح و توبه باز می شود(6: 130).

7- مهربانی و شفقت

حضرت عمررضی الله عنه امرا و کارگزاران دولت را به شفقت و عطوفت بر زیر دستانشان توصیه می نمود و بارها به فرماندهان می گفت: بر این ها سخت نگیرید و آنان را وارد مکان های نکند که گمان نابودی شان می رود(3: 111).

8- اصل شوری

مدیریت خوب بدون مشورت امکان ندارد، و شوری دستور است که الله متعال آنرا صادر نموده است: **وامرهم شوری بینهم(شوری: 38).** و شاورهم فی الامر(ال عمران: 159).

حضرت عمر رضی الله عنه فرموده: **من دعا الى اماراة نفسه من غير مشورة من المسلمين فلا يحل لكم ان لا تقتلوه (9 : 479).** کسیکه دعوت نماید به به امیرشدن خویش بدون مشوره مسلمانها، پس جواز ندارد برای شما که او را به قتل نرسانید.

الرسالة.

6- قرضاوی، یوسف (1381). شناخت اولویت های دینی در پرتو قرآن و سنت. ایران: نشر احسان .

7- قاضی ، گل رحمن (1388). حقوق اداری ، کابل: ، انتشارات سعید.

8- کرمی، احمدعجاج (1427). الادارة فی عصر الرسول صلی الله علیه وسلم. القاهرة: دارالسلام.

9- مودودی ، سید ابوالاعلی (1432). اسلامی ریاست. پشاور: انتشارات رشیدیہ.

10- مودودی، سید ابوالاعلی (1390) خلافت وملوکیت. کابل: انتشارات میوند.

9- اصل سلسله مراتب

اینکه در مدیریت ضروریست که از پائین به بالا اطاعت و از بالا به پائین گزارش وجسابدهی وجود داشته باشد و اینکه اطاعت از بالا طبق شریعت اسلامی صرف در معروف واجب است در معصیت هیچ کس حق ندارد اطاعت کند قسمیکه در قرآن کریم بیعت رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز با اطاعت در معروف مشروط قرار داده شده است: **ولا یعصینک فی معروف (ممتحنه: 12)**.

واینکه آنها در هیچ معروفی از تو نافرمانی نکنند

ورسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده: **السمع والطاعة علی المرء المسلم فیما احب او کره ما لم یومر بمعصية فاذا امر بمعصية فلا سمع ولا طاعة (10 : 63)**.

سمع و اطاعت از امیر بر مسلمان فرض است ولو اگر امر امیر مورد پسند او باشد یا خیر، تا وقتیکه امیر حکم بر معصیت صادر نکند و هنگامیکه حکم معصیت صادر کرد، پس سمع و اطاعت وجود ندارد.

10- اصل تفویض مسولیت

یکی از اصول مهم در مدیریت عبارت از اصل تفویض مسولیت به ما مورین ماتحت است، چون از یکطرف تقسیم وظایف صورت گرفته و از طرف دیگر هر کس خود را در قبال اداره منحیث یک عضو مسول دانسته و در نتیجه امور به شکل احسن انجام می شود، اگر زندگی عملی رسول الله صلی الله علیه وسلم را مشاهده کنیم درمی یابیم که کارها را در جاهای متعدد به صحابه کرام تفویض نموده اند.

5- نتیجه گیری

پس از تحقیق وجستجو در موضوع بررسی اصول مدیریت اسلامی و تاثیرگذاری آن بالای اداره که در آن صورت میگیرد به نتایج ذیل متوصل شدیم:

1- مدیریت به معنای گرداننده، اداره کننده (کسی که کاری را اداره می کند)، کارگردان و قوام دهنده است. در فرهنگ اسلامی نیز مدیریت عبارت است از ایجاد هماهنگی در اجزای یک نظام و فراهم کردن زمینه رشد و تعالی انسانها از طریق ارائه خدمت شایسته به آنها، مطابق قرآن برای سیر به سوی خداوند.

2- مهمترین اصول مدیریت از دیدگاه اسلام به شکل اجمال قرار ذیل اند:

1- اخلاق نیکو 2- اصل تخصص و تعهد 4- اصل تساوی 5- اصل مسولیت وجوابدهی 6- اصل اولویت منافع عمومی بر منافع شخصی 7- مهربانی و شفقت 8- اصل شوری 9- اصل سلسله مراتب 10 - اصل تفویض مسولیت.

5- فهرست مراجع

قرآن کریم

1- اصفهانی، حسین بن محمد. (2008). المفردات فی غریب القرآن. پاکستان: انتشارات رشیدیہ.

2- حقانی ، عبدالباقی (ب- ت). السياسة والادارة الشرعية فی ضوء ارشادات خیر البریة، پاکستان: المكتبة الحقانیة.

3- حازم، عبدالرب (1394ه). چشم اندازی بر تمدن اسلامی ، کابل: انتشارات تنویر افکار، چاپ اول .

4- زحیلی، وهبه (ب- ت). الفقه الاسلامی وادلتہ. پاکستان: مکتبه فریدیہ.

5- زیدان، عبدالکریم (1432). نظرات فی الشریعة الاسلامیة. موسسة